



دنیای مغول در تاریخ

• دکتر شیرین بیانی
استاد تاریخ دانشگاه تهران

شامات و مصر، با چهار پایگاه خوارزم، بغداد، دمشق و قاهره؛ که هر یک برای خود کوس لمن الملکی می زد. شاید به جرات بتوان گفت که حکومت خوارزمشاهی به هر سه قدرت دیگر برتری داشت، چه از جهت وسعت قلمرو و نیروی سیاسی و چه از جهت فرهنگی و تمدنی؛ زیرا در گستره وسیع این قلمرو، از بخارا تا شیراز، مهمترین پایگاه های علمی، فرهنگی و اقتصادی قرار گرفته بودند. در بغداد اولوالامر مسلمین حکومت می کرد و در رأس نیروهای معنوی جهان اسلام قرار داشت.

در دمشق گروهی از ایوبیان حکومت می راندند که خود را وارثان اولین امپراطوری اسلامی در زمان امویان می دانستند؛ و در قاهره

گروهی دیگر از ایوبیان بر سر کار بودند که خود را ناجی جهان اسلام از شر تهاجمات صلیبیون به شمار می آوردند؛ و صلاح الدین ایوبی را ناجی بزرگ می دانستند. در آن سوی دریای مدیترانه، غربی ها با چشیدن طعم گوارای لذائذ مادی و معنوی شرق، به راه افتاده و با اتحادی که تا آن زمان بی نظیر بود، پای در سواحل شامات و مصر و جزایر سر راه نهاده بودند؛ و با ادعای تصرف بیت المقدس و اراض موعود که آن را خاستگاه عیسی مسیح (ع) می دانستند، درگیر جنگی خانمان سوز با مسلمانان این سوی آب گشته بودند.

حکومت های مسیحی شرق چون روم، طرابوزان، ارمنستان و گرجستان که در پی احقاق حقوق از دسته رفته خود به وسیله مسلمانان بودند، از جنگ های صلیبی سود

در طول تاریخ، دوره هایی وجود داشته و همچنان وجود خواهد داشت که در محدوده ای جغرافیایی و یا در کشوری، فصلی کهنه از زندگی هایی بسته شده و فصلی نو گشوده شود. اهمیت این موضوع تا بدان حد است که در باورهای دینی مردمان نیز رخنه کرده و دوره هایی را برای کهنه و نو شدن جهان قرار داده اند. چنانکه در دین زردستی این دوره را هزار ساله می انگاشتند. به اردشیر بابکان موسس سلسله ساسانی منسوب است که گفته بود: «اگر نه این بود که دانسته ایم بر سر هزار سال بلیه نازل می شود، می گفتیم که شاهنشاه برای همیشه کار را سامان داده است».

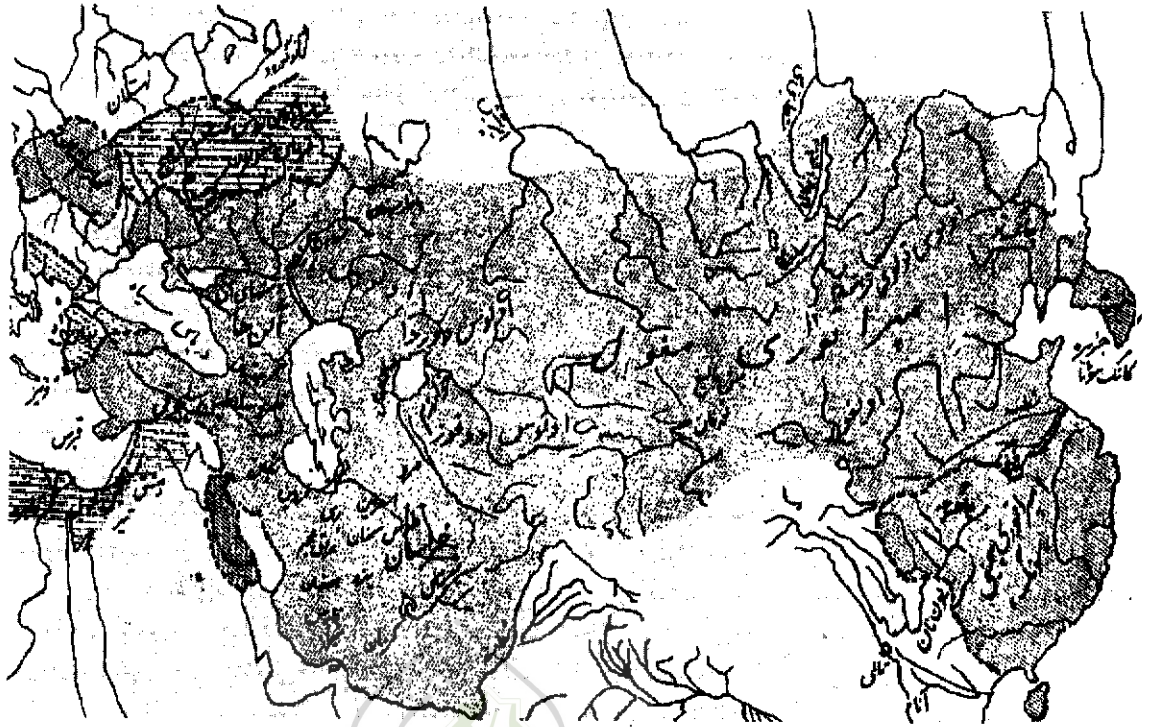
یکی از این دوره های بسیار مهم در تاریخ ایران «عهد مغول» است که به راستی، فصلی در آن بسته و فصلی گشوده شد؛ و چون پدیده مغول گستره ای عظیم از اقیانوس کبیر تا دریای مدیترانه را فرا گرفت، نه تنها ایران و منطقه، بلکه جهان را دگرگون ساخت. سرزمین ما به علت وضع جغرافیایی یا بهتر گفته شود ژئوپلیتیکی خود، در مرکز این دگرگونی قرار گرفت و بسیاری چیزها داد و مقداری نیز گرفت. اگر برای ایران در دوره زندگی بیست هزار ساله تمدنی اش پنج دوره سرنوشت ساز برشماریم، مسلماً یکی از این ادوار، عصر مغول خواهد بود.

باید دید چه شد که این زمان این گونه اهمیت یافت؟ در بامداد قرن هفتم هجری در جهان اسلام سه قدرت وجود داشت: حکومت خوارزمشاهی، دستگاه خلافت عباسی و حکومت های ایوبیان



عود سوز سه پایه برنجی، قرن هفتم هجری، موزه وکتور، ما - آلبرت لندن

قلمرو امپراطوری
مغولان بین سال‌های
۱۲۳۰ تا ۱۲۵۵ م.



در بامداد قرن هفتم هجری
در جهان اسلام سه قدرت
وجود داشت: حکومت
خوارزمشاهی، دستگاه
خلافت عباسی و
حکومت‌های ایوبیان شامات
و مصر. با چهار پایگاه
خوارزم، بغداد، دمشق و
قاهره؛ که هر یک برای خود
کوس لمن الملکی می‌زد

کرد. مغولان موفق شده بودند در اروپا تا مسکو و رود دانوب و در آسیا از چین تا آسیای صغیر بتازند؛ و سپس تا پشت دیواره‌های غزه، یعنی دروازه مصر (افریقا) پیش روند؛ و این چنین برای اولین بار از اقیانوس کبیر تا دریای مدیترانه متحد گردید و از آن میان امپراطوری واحدی شکل گرفت که به تبع آن فرهنگ‌ها و تمدن‌های چینی، ایرانی، مصری و ادیان بودایی، اسلامی، مسیحی و یهودی در درون آن گرد آمدند و از ابتدا تا انتهای «جاده ابریشم» - بزرگترین جاده ترانزیتی، فرهنگی جهان - متعلق به یک حکومت گشت؛ در این شرایط ایران مرکز همه این داد و ستدها و تحولات سیاسی، فرهنگی، تمدنی و اقتصادی شد. زمانی که مغولان ایران را گرفتند و در آن حکومت ایلخانی را تشکیل دادند، تشکیلاتی با طرز اندیشه سیاسی «یاسائی» و طرز اندیشه ماوراء طبیعی «شمی» ایجاد کردند؛ ولی نه آن گونه اندیشه ناسوتی جوابگوی مردم ایران بود؛ و نه اینگونه اندیشه لاهوتی. سرزمینی از هرات تا فرات و ماوراء آن که روزی گستره قلمرو هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را تشکیل می‌داد و پس از دوران اسلامی، مهمترین کانون‌های اندیشه ایرانی - اسلامی را در خود جای داده بود، می‌بایست به گونه‌ای دیگر اداره گردد. مغولان توان انجام این مهم را نداشتند و از این رو اندیشمندان و دیوانسالاران و خاندان‌های اصیل و شریف ایرانی دست‌اندر کار بازسازی ویرانگری‌های مغولان گردیدند؛ و از این زمان بین غالب و مغلوب «جنگ شمشیر» به «جنگ قلم» تبدیل شد. چنانکه در چین نیز نخبگان چینی به این مهم دست یازیدند. در غرب وضع به گونه‌ای دیگر بود. ابتدا اروپاییان از این پدیده

می‌جستند؛ زیرا در کنار حکومت‌های توسعه‌طلبی چون ایران، شامات و مصر و به خصوص دستگاه خلافت عباسی، به هیچ وجه احساس رضایت و راحتی نمی‌کردند. یهودیان که طی قرون در پی فرصتی برای کسب خواست‌های خود بودند، همواره به تکاپو اشتغال داشتند و از موقعیت‌ها بهره می‌گرفتند. اگر نظری بر شرق دور و در راس آن چین افکنیم می‌بینیم که این سرزمین کهن، با فرهنگ، ثروتمند و پرکنار از غوغای جهانی؛ ولی درگیر غوغای درونی خود و به خصوص در جوار مغولان گرسنه و با تعداد نفرت بسیار زیاد به تکاپو مشغول بود. هر چند یکی از «عجایب هفتگانه جهان» یعنی «دیوار چین» مدت‌ها آن سرزمین را از گزند یورش‌های گاه و بی‌گاه این همسایه در امان داشته بود. اکنون مغولان با گردآوری قبایل ستیزه‌جو، سخت‌کوش و جویای نام و نان، در کنارش قد برافراشته بودند. این گونه، جهان شرق و جهان غرب به راه خود ادامه می‌داد، بدون اینکه هیچیک از سیاستمداران و دولتمردان نشان دریافته باشند که این جهان پیر شده و نظم نوینی در انتظار آن است. پدیده‌ای به نام «حکومت واحد مغول» در قلب آسیا و در صحرای بی حاصل گبی به وجود آمده بود که ناخواسته و ندانسته سردمدار این نظم نو گشته بود. مردی سرسخت و هوشیار به نام تموچین، که اکنون به چنگیز خان تغییر نام یافته بود؛ و در خود رسالتی ماوراء طبیعی احساس می‌کرد، جزء لاینفک این پدیده گردیده بود. او فرزند زمان خود بود. این جوان جویای نان و نام به بهترین وجهی از بی‌خبری دولتمردان جهان سود برد و به زودی در اوایل بامداد قرن هفتم هجری، شرق و غرب را در هم نوردید و پایه‌های بزرگترین امپراطوری را پی‌ریزی

مغولان موفق شده بودند در اروپا تا مسکو و رود دانوب و در آسیا از چین تا آسیای صغیر بتازند؛ و سپس تا پشت دیواره‌های غزه، یعنی دروازه مصر (افریقا) پیش روند؛ و این چنین برای اولین بار از اقیانوس کبیر تا دریای مدیترانه متحد گردید و از آن میان امپراطوری واحدی شکل گرفت که به تبع آن فرهنگ‌ها و تمدن‌های چینی، ایرانی، مصری و ادیان بودایی، اسلامی، مسیحی و یهودی در درون آن گرد آمدند

ایرانیان با مسلمان کردن ایلخانان و تلقین فرهنگ ایرانی به آنان و آبیاری ریشه‌های تمدن از هم پاشیده خود، توفیق آن را یافتند که بر خویشتن مسلط شوند و بار دیگر بر پای ایستند

مخوف و نیروی ویرانگر که به جان شرق افتاده بود، شادمان گشتند و با ایجاد ارتباط با مغولان سعی در یاری رساندن و برانگیختن آنان برای تضعیف و حتی نابودی حکومت‌های گوناگون، به خصوص در کناره‌های شرقی دریای مدیترانه نمودند؛ زیرا جنگ‌های صلیبی در آن منطقه ادامه داشت. ولی زمانی که خود آماج تهاجم و تخریب مغولان قرار گرفتند و خطر را با شدت و حدت آن احساس کردند، دست از یاری برداشتند.

با این حال سعی کردند از سویی توازن قوا بین دو دشمن را حفظ کنند و از سوی دیگر با عیسوی کردن مغولان، آنان را به سوی فرهنگ و به دنبال آن به سوی امیال سیاسی خود بکشانند؛ ولی در این کار نیز نتیجه قطعی حاصل نشد. ممالک کوچک مسیحی شرق نیز بدانان روی آوردند و چون ناجی ای که می‌خواهد آنان را از خطر مسلمین برهاند، به ایشان نگریستند. سر دسته این گروه ارمنستان بود. این حکومتها در براندازی دستگاه خلافت عباسی کمک شایانی به مغولان نمودند؛ و زمانی که مناطق غربی جهان اسلام یعنی شامات و مصر مورد تهاجم ایلخانان شمنی - بودایی قرار گرفت، به کمک آنان شتافتند. ولی پس از آنکه در این منطقه حکومت ممالیک جای ایوبیان را گرفت، با فراخواندن بازمانده خلفای عباسی به قاهره و ایجاد دستگاه خلافت عباسی به مقیاسی کوچکتر از دستگاه مستقر در بغداد، از این نیروی محرکه مسلمین سود فراوان بردند؛ و جهان اسلام را از خطر نابودی رهانیدند.

ایرانیان با مسلمان کردن ایلخانان و تلقین فرهنگ ایرانی به آنان و آبیاری ریشه‌های تمدن از هم پاشیده خود، توفیق آن را یافتند که بر خویشتن مسلط شوند و بار دیگر بر پای ایستند.

اکنون بغداد که با واسطه مغولان به دست ایرانیان افتاده بود؛ و خاندانی معتبر و اصیل و متفکری چون خاندان هونی بر آن فرمانروایی می‌کرد، نیروی گذشته را به دست آورده، همچنان داعیه دار ریاست معنوی بر جهان اسلام گشته بود. ایران و مصر رقابتی تنگاتنگ را در پیش گرفته بودند؛ و جنگ‌های ایلخانان با شامات و مصر نه تنها با انگیزه توسعه طلبی آغاز گشته بود، بلکه رنگ فرهنگی - مذهبی به خود گرفته بود. هر یک از دو طرف خود را به «حق» و آن دیگری را بر «باطل» می‌خواند. در این تکیا و پهر چند ایران نتوانست بر مصر و شامات دست یابد؛ ولی از طریق آسیای صغیر بر دریای مدیترانه اشراف یافت و گستره قلمرو خود را در زیر لوای یک حکومت بیگانه خودی شده، به دوران پیش از اسلامی کشانید.

به زودی جهان مغول به دست شاهزادگان چنگیزی تجزیه شد و از

درون آن فرمانروایی‌های کم و بیش مهمی به در آمدند که در رأس همه آنها حکومت ایلخانی ایران قرار گرفت. ارتباط با مرکز امپراطوری که از قراقروم پایتخت اولیه، به پکن منتقل شده بود، همچنان برقرار بود؛ ولی ارتباطی کم‌رنگ و در حد رد و بدل شدن نمایندگان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هدایای گوناگون نفیس. معیذ این انشعاب مانع از آن نگردید که وحدت فرهنگی مغولی درهم ریخته شود. همه فرمانروایان، نیای بزرگ و مخوف خود را چون گذشته به منزله «بت بزرگ» مقدس می‌شمردند؛ هر چند که به ادیان الهی گرویده بودند؛ و همه آنان در دل «شمنی» باقی ماندند؛ هر چند که اندیشمندان چینی از سویی و دولتمردان و متفکران ایرانی از سوی دیگر با همه توش و توان خود سعی در چینی و ایرانی کردن آنان نمودند.

نتیجه آنکه هیچگاه در طول تاریخ، پکن، سمرقند، تبریز، بغداد، سیواس، دمشق و قاهره این چنین با یکدیگر نزدیک نشده بودند؛ و هیچگاه در تاریخ «جاده ابریشم» این چنین پر رفت و آمد نشده بود. ایران که در کانون این داد و ستدهای مادی و معنوی قرار گرفته بود، در عین پذیرفتن خسارت‌ها و ویرانی‌ها، بیشترین سود را جست. از همه گرفت و به همه داد و از لابلای این داده‌ها و گرفته‌ها و این خسارتها و ویرانگری‌ها یک چیز را بیش از همه چیز آموخت و آن اینکه: اگر می‌خواهی بمانی و در برابر تندباد حوادث نشکنی، ریشه‌های ملی، قومی و فرهنگی تیرومند، تنومند و شاداب داشته باش؛ و چون داشت، ایستاد.

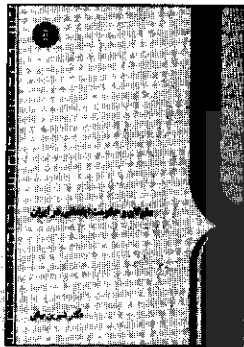
با آنچه گذشت می‌توان دریافت امپراطوری مغول با چنین حالت جهان‌گیری که یافت، سبب گردید ملل و اقوام گوناگون که یا زیر سیطره آن قرار گرفتند و یا به نوعی طوفان مغولی بر پیکره آنان وزیدن گرفت، در کار آن شوند که وقایع این دوران شگفت و بسیار مهم را ثبت و ضبط کنند؛ و بدین جهت است که یکی از غنی‌ترین ادوار تاریخ ایران از جهت گرد آمدن منابع، مآخذ و اسناد، دوره مغول می‌باشد.

چینی‌ها، اروپایی‌ها و مسلمانان، مغولان و به طور اخص ایرانیان، هر یک با زاویه دید خاص خود از آن زمان تا کنون به این مسئله نگریسته‌اند و می‌نگرند و منابع و مآخذ بسیار مهمی بر جای گذاشته و می‌گذارند؛ و هنوز جای آن دارد که باز هم در این زمینه قلم فرسایی علمی شود و زوایای تاریک و یانیمه روشن آن روشن و روشن تر گردد. در بعضی ممالک «مغول‌شناسی» در دانشگاهها و ارگانهای فرهنگی مرکزی را به خود اختصاص داده‌اند؛ جای آن دارد که در ایران نیز چنین شود و باید در فکر آن بود.

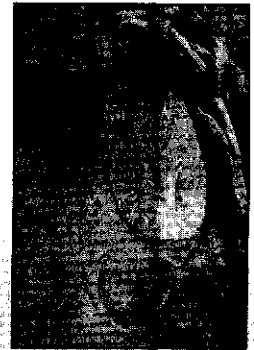
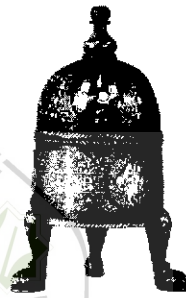
افزوده کتاب ماه:

به منظور ارج نهادن به سال‌ها تلاش بی‌وقفه و پرثمر علمی سرکار خانم دکتر شیرین بیانی و با هدف آشنایی بیشتر خوانندگان با این تلاش‌ها، فهرست برخی تالیفات، ترجمه‌ها، مقالات، مصاحبه‌ها و سخنرانی این استاد فرزانه ارائه می‌شود:

الف) تالیفات:



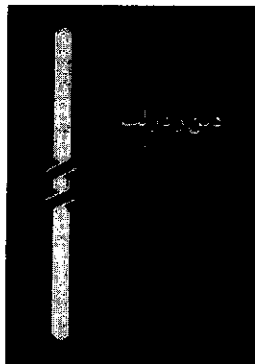
● **مغولان و حکومت ایلخانی در ایران**
انتشارات سمت، چاپ اول: ۱۳۸۰، چاپ دوم: ۱۳۸۱



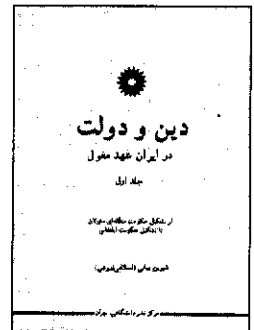
● **تاریخ آل جلایر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول: ۱۳۳۳، چاپ دوم: ۱۳۸۱. این کتاب توسط حیدرآلی به زبان ترکی قزاقی در قزاقستان ترجمه شده است.**



● **دین و دولت در ایران عهد مغول**
جلد سوم: سیاست خارجی ایلخانان در جهان اسلام، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۵.

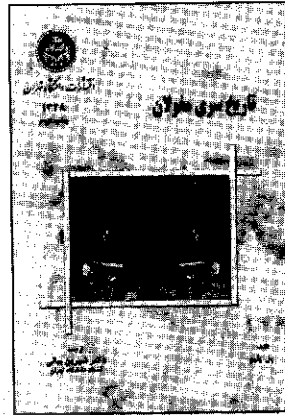


● **دین و دولت در ایران عهد مغول**
جلد دوم: حکومت ایلخانی، نبرد میان دو فرهنگ، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱.

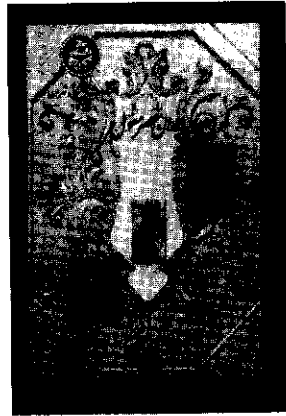


● **دین و دولت در ایران عهد مغول**
جلد اول: از تشکیل حکومت منطقه‌ای مغولان تا تشکیل حکومت ایلخانی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۷.

(ب) ترجمه‌ها:



• تاریخ سری مغولان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰. چاپ دوم (زیر چاپ)



• زن در ایران عصر مغول. انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۵۲. این کتاب توسط هانس سیرلیک در تاجیکستان برگردانده شده و زیر چاپ است. چاپ دوم نیز در انتشارات دانشگاه تهران در حال انجام است.



• چنگیزخان، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۲. چاپ دوم.

- نظام اجتماعی مغولان - فتودالیسم خانه بدوشی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۶. چاپ دوم ۱۳۶۵.
- ۳. هشت مقاله در زمینه تاریخ. انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۲.
- ایران در برخورد با مغول. انتشارات کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۵۳.
- (ج) مقالات:
- «اولان باتور را می شناسید؟» مجله یغما، ش ۶، شهریور ۱۳۴۵.
- «گروه بندی ایلات و اختلاف طبقاتی جامعه ایلی مغول در قرون ۱۱ و ۱۲ میلادی» (ترجمه)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۳، ش ۲، ۱۳۴۵.
- «تاریخ سری مغولان» یا «یوان چائو پی‌ش» مجله راهنمای کتاب، س ۱۳، ش ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۴۸ و فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۹.
- ۴. «چنگیز و مرگ»، مجله یغما، ش ۱

نظام حکومتی در نزد مغول»، یادنامه دکتر عبدالحسین نوایی، (زیر چاپ)

- A study of social structure in Iran, During the mongol period. Journal of the Regional cultural Institute (RCD), Tehran. spring andsummer 1974. no 283.
- Histoire secrete des mongols, une des sources de Jame - at - tawarikh - e - Rachidi, Acta orientalia xxxv, monks - gaard, copenhagen, 1976.

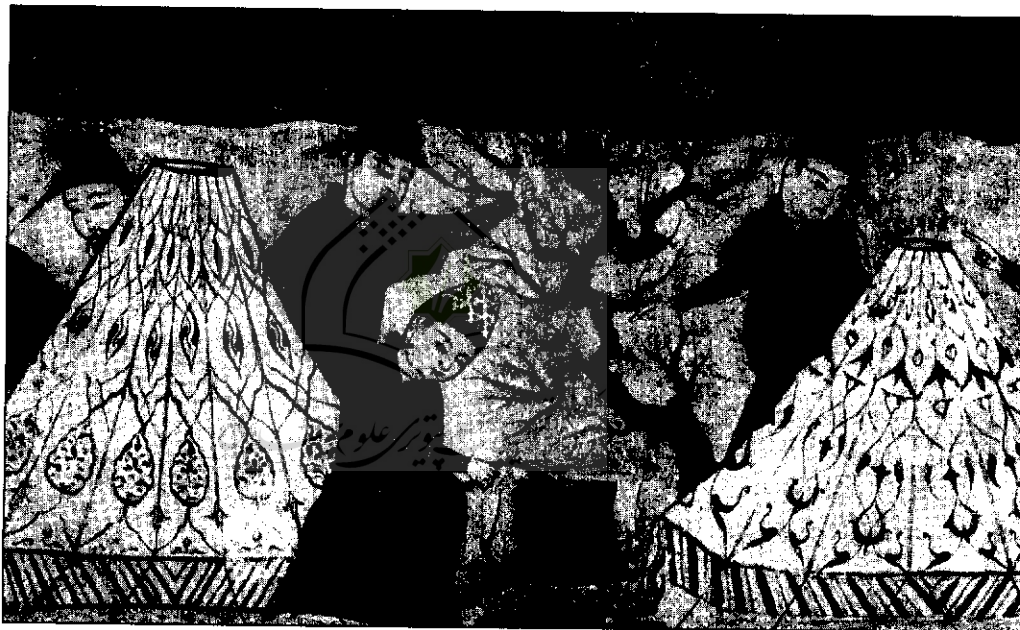
(د) مصاحبه

- حمله مغول: بازتولید وحشتی ژنتیک در: زندگی نامه و خدمات علمی فرهنگی استاد دکتر شیرین بیانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، دی ماه ۱۳۸۲.

- و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۰.
- وضع روحانیون در عهد ایلخانی، در: زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد دکتر شیرین بیانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، دی ماه ۱۳۸۲.
- «دوسردار چنگیز و گشایش ایران»، یادنامه استاد سید محمد محیط طباطبایی، محیط ادب، انتشارات دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، تهران، ۱۳۵۸.
- «شیراز به روایت ابن بطوطه» یادگار نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، به کوشش علی دهباشی، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶.
- «زندگی بایسته در بوستان»، دین و دولت در عهد ساسانی و چند مقاله دیگر، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۸۰.
- غول غایمش و مساله حاکمیت و

هیچگاه در طول تاریخ، پکن، سمرقند، تبریز، بغداد، سیواس، دمشق و قاهره مانند دوران مغول، این چنین با یکدیگر نزدیک نشده بودند؛ و هیچگاه در تاریخ «جاده ابریشم» این چنین بر رفت و آمد نشده بود

تصویری از برگزاری مراسم محلی در اردوی مغولان



۵) سخنرانی‌ها:

۱. بررسی اوضاع اجتماعی ایران از خلال جامع التواریخ، کنگره بین‌المللی رشیدالدین فضل‌الله همدانی، دانشگاه تهران، ۱۰ و ۱۱ آبان ۱۳۴۸.
۲. فرقه قلندریه در عهد ایلخانی، سمینار بین‌المللی تهاجم مغولان به ایران و پی‌آمدهای آن، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۶.
۳. هویت ایرانی از دیدگاه سعدی در بوستان، سمینار هویت ایرانی در پایان قرن بیستم، دانشگاه لندن، ۲۶-۲۸ فروردین ۱۳۷۷.

۴. اوضاع اجتماعی و فرهنگی بغداد در عهد ایلخانی عصر احمد سهروردی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۲۳ و ۲۴ آذر ۱۳۷۹.
۵. دین و دولت در ایران عهد مغول، گروه آموزشی تاریخ دانشگاه اصفهان پاییز ۱۳۸۰.
۶. مغولان و جهان مغولی، دانشگاه آزادی اصفهان، نجف‌آباد، پاییز ۱۳۸۰، خرداد ۱۳۸۱.
۷. مغولان، ایران و جهان، دانشگاه آزاد محلات، خرداد ۱۳۸۰.
۸. جایگاه زن در نزد مولانا جلال‌الدین

- محمد رومی، سمینار بین‌المللی، انجمن زنان پژوهشگر تاریخ با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری دانشگاه شیراز، ۲۹ بهمن ۱۳۸۱.
۹. جایگاه زن در دوره مغول، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۲.
۱۰. عصر فرمانروایی سلطان حسین بایقرا - شکوفایی هنر کمال‌الدین بهزاد، همایش بین‌المللی استاد کمال‌الدین بهزاد، فرهنگستان هنر تهران و تبریز، ۲۴-۲۶ آذر ۱۳۸۲.